

### متن پرسش

با سلام و احترام خدمت استاد بزرگوار: از آنجایی که من انسان فقط هستم و چیستی آن همان هستی آن است و این هستی حتماً نیاز به یک عین هستی دارد و آن هم خدای احد است و هر چه هست تجلی خداست و طبق آیه قرآن خدا شبیه هیچ چیزی نیست و فقط هست و با توجه به روایات معصومین «لا تفکر فی ذات الله» در کیفیت و چگونگی خدا تفکر نکنیم ولی مثلاً در صفات خدا مجازیم سوال این است که: با توجه به اینکه آنچه در فکر آید خدا نیست آنچه نیاید خداست چرا گاهی اوقات این ذهن وسوسه و کنجکاو می‌شود که در ذات خدا تفکر کند؟ آیا این نشانه وسوسه شیطان است که شک و شبهه ایجاد کند یا ذهن و فکر ما به پختگی نرسیده که کنجکاو می‌کند و چطور برای همیشه از این موضوع‌رهایی یابیم تا از حس عقل قلب به یقین برسد که تفکر نکند و حجاب نگردد امیدوارم راهنمایی بفرمایید. با تشکر و سپاس

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: هر اندازه به توحید نزدیک شویم، قلب ما متوجهی نور خدا می‌شود و عملاً کنجکاو‌هایی برای دنبال کردن چیستی خدا از ذهن ما خارج می‌شود. عنایت داشته باشید که نظر به ذات احدی غیر از تفکر در کنه ذات است که بخواهیم جنس ذات را بدانیم، آنچه در روایات نهی شده، به تعبیر امام خمینی «رحمة الله علیه»: «تفکر در کنه ذات و کیفیت آن است».<sup>[۱]</sup> ایشان در ادامه می‌فرمایند: «اما نظر در ذات برای اثبات وجود توحید و تنزیه و تقدیس آن، غایت ارسال انبیاء و آمال عرفا بوده و قرآن کریم و احادیث شریفه مشحون از علم به ذات و کمالات اسماء الهی است و کتب معتبره اخبار مثل «اصول کافی» و «توحید صدوق» غور در اثبات ذات و اسماء و صفات. نموده ... لیکن مصیبت در آن است که در قرون اخیر بعضی جاهلان در لباس اهل علم پیدا شده که ندیده و نسنجیده و از کتاب و سنت عاری و بری بوده، مجرد جهل خود را دلیل بطلان علم به مبدأ و معاد دانسته، برای رواج بازار خود، نظر در معارف را که غایت مقصد انبیاء و اولیاء (علیهم السلام) است و سر تا پای کتاب خدا و اخبار اهل بیت (علیهم السلام) مشحون از آن است را حرام شمرده و هر ناسزا و تهمت را از اهل آن دریغ ندانسته و قلوب بندگان خدا را از علم به مبدأ و معاد منصرف کرده و اسباب تفرقه کلمه و شتات جمعیت مسلمین گردیده، و اگر سؤال شود که این همه تکفیر و تفسیق برای چیست؟ متشبهت شود بر حدیث «لا تَتَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ» این بیچاره جاهل از دو جهت در اشتباه و جهالت است: یکی آنکه گمان کرده حکماء تفکر در ذات می‌کنند، با آنکه تفکر در ذات را و اکتِنَاهِ آن را

ممتنع می دانند و این خود یکی از مسائل مبرهنه آن علم است. و دیگر آنکه معنی حدیث را ندانسته گمان کرده مطلقاً راجع به ذات مقدس نباید اسمی برده شود» [۲] حضرت امام خمینی «رحمة الله عليه» در فضیلت تفکر در مورد خدا و اینکه آن مقدمه و لازمه سلوک انسانیت است، روایتی از حضرت صادق (ع) می آورند که حضرت فرموده اند: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِذْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ» [۳] افضل و برترین عبادت، استمرار تفکر در مورد خدا و قدرت اوست. و نتیجه می گیرند پس تفکر در حق و اثبات ذات و تفکر در قدرت و سایر اسماء و صفات، علاوه بر آنکه مورد نهی نیست، افضل عبادات است. و در جواب آنهایی که منع تفکر در ذات را مطرح می کنند، می فرمایند: اینکه روایت می فرماید؛ «تَكَلَّمُوا فِي خَلْقِ اللَّهِ وَ لَا تَتَكَلَّمُوا فِي اللَّهِ فَإِنَّ الْكَلَامَ فِي اللَّهِ لَا يَزِدَادُ صَاحِبَهُ إِلَّا تَحْيِيراً»، [۴] در رابطه با خلق خدا سخن بگویید، نه در مورد خدا، زیرا کلام در خدا جز تحیر به بار نمی آورد. این حدیث شریف خود دلالت دارد بر آنکه مقصود از تکلم در اکتناه ذات و کیفیت آن است به مناسبت تعلیل آن، و إلا تکلم در اثبات ذات و سایر کمالات و توحید و تنزیه آن موجب حیرت نگردد. و نیز احتمال می دهند که ممکن است نهی به جهت آن باشد که مردم معمولی استعداد ورود به این مباحث را ندارند. موفق باشید

---

[۱] (۲) - «چهل حدیث»، حدیث شماره ۱۲، باب تفکر.

[۲] (۱) - «چهل حدیث»، حدیث شماره ۱۲، باب تفکر.

[۳] (۲) - «کافی»، ج ۳، ص ۹۱.

[۴] (۳) - «اصول کافی»، ج ۱، ص ۱۲۵.